

نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، به‌عنوان «دوست دادگاه»، در نظام بین‌المللی حل و فصل اختلافات

سیدباقر میرعباسی^۱، عقیل محمدی^۲*

چکیده

دوست دادگاه شخصی حقیقی یا حقوقی است که طرف دعوی محسوب نمی‌شود و به ابتکار خود یا به درخواست دادگاه اظهارات خود را در خصوص وقایع و قواعد حاکم بر دعوی به صورت مکتوب یا شفاهی به دادگاه تقدیم می‌کند. بررسی رویه قضایی نشان می‌دهد بازیگر عمده این عرصه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی‌اند که البته مشارکت آن‌ها در فرایند حل و فصل اختلافات با موانع و چالش‌های فراوان همراه بوده و است. این مقاله استدلال می‌کند که هرچند از این تأسیس حقوقی در حوزه‌هایی مانند حقوق بشر، تجارت، و داوری‌های سرمایه‌گذاری استقبال شده است و مرجعی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری از پذیرش آن اجتناب کرده‌اند، به نظر می‌رسد، با توجه به مزیت‌های متصور برای آن، می‌تواند به دادگاه‌ها در ارتقای صحت و کیفیت تصمیمات یاری رساند.

کلیدواژگان

جلسات استماع، داوری‌های سرمایه‌گذاری، دستیابی به اسناد، دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان‌های حقوق بشری، مشارکت ثالث.

۱. استاد گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

Email: mirabbassi@parsilo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

Email: aghilmohammadi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۱۲

مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم نظام بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات این است که دادگاه‌ها و دیوان‌ها به‌طور صریح یا ضمنی از این اختیار برخوردارند که به فرد یا معمولاً به گروهی از افراد که طرف اختلاف محسوب نمی‌شوند اجازه دهند در فرایند دادرسی مشارکت کنند. تأسیس حقوقی «دوست دادگاه»^۱، که از حقوق داخلی نشئت می‌گیرد، سازوکاری مناسب برای مشارکت ثالث در فرایند رسیدگی‌های قضایی و داوری محسوب می‌شود. بسیاری از دادگاه‌ها و دیوان‌ها، مانند دیوان اروپایی حقوق بشر، دیوان بین‌امریکایی حقوق بشر، رکن حل‌وفصل اختلافات سازمان جهانی تجارت، «مرکز بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری»^۲ (از این پس به اختصار «ایکسید» خوانده خواهد شد)، و همچنین دادگاه داوری «موافقت‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی»^۳ (از این پس به اختصار «نفتا» خوانده خواهد شد) به‌طور صریح یا ضمنی وجود این تأسیس حقوقی را به رسمیت شناخته‌اند و دیوان بین‌المللی دادگستری و مراجعی از این دست، که صرفاً به اختلافات میان دولت‌ها رسیدگی می‌کنند، حاضر به پذیرش آن نیستند. اگرچه سازمان‌های بین‌المللی (سازمان‌های بین‌الدولی) و افراد نیز می‌توانند به‌عنوان دوست دادگاه عمل کنند، با توجه به اینکه تا امروز دادگاه‌ها و دیوان‌ها عمدتاً با تقاضای مشارکت در رسیدگی‌ها از سوی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی روبه‌رو شده‌اند، در این مقاله تلاش خواهد شد، ضمن بررسی مسائل مهمی همچون عملکرد دوست دادگاه در حقوق بین‌الملل و آثاری که می‌تواند بر جریان دادرسی‌ها گذارد و همچنین مناسب بودن این تأسیس و انطباق یا عدم انطباق آن با اصولی همچون دادرسی منصفانه و ابتدای رسیدگی‌های بین‌المللی بر رضایت طرفین اختلاف، به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که مراجع بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات به چه میزان از حضور سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان دوست دادگاه در فرایند رسیدگی‌ها استقبال کرده‌اند؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال، نخست از مفهوم دوست دادگاه و وضعیت کلی آن در حقوق بین‌الملل سخن خواهد رفت و در ادامه تلاش خواهد شد، با بررسی رویه برخی دادگاه‌ها و دیوان‌های قضایی و داوری، شناختی حداقلی از جایگاه سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان دوست دادگاه عرضه شود.

مفهوم «دوست دادگاه» و وضعیت کلی آن در حقوق بین‌الملل

سازمان، فرد، یا گروهی از افراد که تمایل دارند در جریان رسیدگی به یک اختلاف در مرجع

1. Amicus Curiae/ plural Amici Curiae (Friend of the Court)
2. International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)
3. The North American Free Trade Agreement (NAFTA)

قضایی مشارکت کنند دو انتخاب پیش رو دارند. یکی اینکه به‌عنوان «وارد ثالث»^۱ اقامه دعوا کنند، که در این صورت یک طرف دعوا محسوب می‌شوند و از حقوق و تکالیفی مشابه طرفین اصلی دعوا برخوردار خواهند شد. دوم اینکه به‌عنوان دوست دادگاه مشارکت کنند. به باور برخی، این مفهوم بدین معناست که درحالی که طرفین دعوا و وارد ثالث می‌توانند از طرق مختلف، مانند استناد به اظهارات شهود یا ارائه ادله و مدارک به دادگاه یا بیان ادعاها و دفاعیات، مشارکتی فعال در شکل‌دهی جریان رسیدگی داشته باشند، دوستان دادگاه کسانی هستند که به‌طور کلی از طریق تقدیم اظهارات و دیدگاه‌های خود به صورت شفاهی یا کتبی اطلاعاتی را در خصوص «قواعد»^۲ یا «وقایع»^۳ مربوط به موضوعاتی که از سوی طرفین اختلاف مطرح شده است در اختیار دادگاه قرار می‌دهند (Willmott & White & Cooper, 2005: 597). بنا به تعریف دادگاه داورى ایکسید، دوست دادگاه «طرف اختلاف محسوب نمی‌شود و به دادگاه پیشنهاد می‌کند نظرات، استدلال‌ات، یا نظر کارشناسی خود را درباره اختلاف به صورت اظهارات یا گزارش ارائه دهد.» (ICSID, case No. ARB/03/17, 2006: para. 9). دوست دادگاه، برخلاف وارد ثالث، طرف دعوا محسوب نمی‌شود و استحقاق ثبت دادخواست، مشاهده مدارک و ادله ارائه‌شده از سوی طرفین، جرح و تعدیل شهود، تقاضای تجدیدنظر رأی، و ... را ندارد. به‌علاوه، نظر به اینکه اینان طرف اختلاف محسوب نمی‌شوند، طبیعتاً هر تصمیمی که دادگاه اتخاذ کند، برای آن‌ها الزام‌آور نیست (Re, 1983-1984: 525). این تأسیس حقوقی در حقوق داخلی ریشه دارد و نخستین بار در قرن ۱۴ در نظام حقوقی کامن‌لا شناخته شد. سپس، در قرن ۱۸ در انگلستان و بعد در امریکا گسترش یافت و در حال حاضر در بسیاری از کشورهای دارای نظام کامن‌لا، همچون استرالیا و کانادا، به یک رویه تبدیل شده است. مثلاً دادگاه‌های انگلستان همیشه می‌توانند از دادستان بخواهند برای انتخاب دوست دادگاه به‌منظور مشارکت در رسیدگی‌ها، جهت بیان نظرات خود در باب قواعد و وقایع مربوط به قضیه مورد اختلاف، اقدام کند (Johnson & Amerasinghe, 2009: 6, 7, 9). برعکس، در نظام حقوقی مدنی، مانند فرانسه، دوست دادگاه جایگاه و نقش برجسته ندارد (Shelton, 1994: 616). با توجه به اینکه توسل به سازوکار دوست دادگاه نسبت به ورود ثالث معمولاً مستلزم اثبات وجود نفع برای متقاضی مشارکت نیست، به‌کارگیری این روش آسان‌تر است و انعطاف بیشتری دارد. دوست دادگاه، که به ابتکار خود یا به دعوت دادگاه حضور پیدا می‌کنند، باید در قالب «لایحه دوست دادگاه»^۴ دلایل و نوع مشارکت خود را مشخص کنند. درباره آثار مشارکت و حضور دوست دادگاه می‌توان گفت اینان می‌توانند درباره وقایع و قواعد حاکم بر قضیه در دست

1. Intervener
2. Law
3. Fact
4. Amicus Curiae Brief

بررسی، تحلیل حقوقی، استدلال‌ها، و حقایقی که از سوی طرفین دعوی بدان توجه نشده یا به دلایل مثلاً فنی یا ملاحظات دیگر به‌طور کامل ارائه نشده است نظرات خود را در اختیار دادگاه قرار دهند. همچنین، می‌توانند دادگاه را از طریق جمع‌آوری و تهیه اطلاعات فنی یا تخصصی یاری رسانند، که این کار به‌ویژه در قضایای پیچیده و جدید بسیار مفید و کارساز خواهد بود (ICJ Rep 2001: Separate). کاهش حجم کار مراجع و خطر صدور آرای متناقض (*Ibid*: 617). افزایش شفافیت رسیدگی‌ها، (opinion of Judge ad hoc Weeramantry, Para. 20)، افزایش شفافیت رسیدگی‌ها، بسترسازی برای ورود هر چه بیشتر جوامع مدنی به فرایند حل‌وفصل اختلافات و مشروعیت‌بخشی به دادگاه‌ها و دیوان‌ها، مطلع ساختن دادگاه از ابعاد متنوع اقتصادی و فنی و حقوقی و حتی اخلاقی موضوع، کمک به ارائه تصویری حقوقی و واقعی‌تر از اختلاف (Crema, 2012: 95)، و مهم‌تر از همه دفاع از نفع عمومی (Shelton, *op.cit*: 619) از دیگر آثار مفید حضور دوست دادگاه است. مورد اخیر به‌ویژه بیشتر در دعاوی حقوق بشری و زیست‌محیطی معنا پیدا می‌کند. در این خصوص، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند نقشی فعال و مفید در جهت تضمین منافع عمومی ایفا کنند. زیرا این سازمان‌ها اساساً به دنبال نفع خاص و شخصی نیستند. مزیت نهاد دوست دادگاه، در جایی که نفع عمومی مطرح است، ارتقای مشارکت عموم در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بین‌المللی است. با این حال، اینان نمی‌توانند جریان دعوی را هدایت یا مدیریت کنند یا غرامت بگیرند. در مقابل، اغلب استدلال می‌شود که تقدیم لایحه دوست دادگاه می‌تواند مشکلاتی به دنبال داشته باشد، از جمله اطلاع دادرسی؛ بدین صورت که هم مرجع قضایی و هم طرفین اختلاف با مجموعه‌ای از وقایع و سؤالات و استدلال‌های جدید روبه‌رو می‌شوند که ناگزیر باید بدان‌ها توجه کنند و چنین کاری دادرسی را به درازا می‌کشاند (Razzaque, 2001: 171).

همان‌گونه که در مقدمه هم اشاره شد، سازمان‌های غیردولتی بیشتر تلاش می‌کنند در قالب دوست دادگاه در جریان رسیدگی‌های قضایی و داوری شرکت کنند. اینان معمولاً در داوری‌های میان دولت و سرمایه‌گذار، علاوه بر تقاضا از دادگاه برای صدور مجوز ارائه اظهارات خود به صورت شفاهی یا کتبی، خواستار آن‌اند که در جلسات استماع حضور پیدا کنند و به متون اسناد داوری و دفاعیات طرفین اختلاف دسترسی داشته باشند. در مجموع، می‌توان حضور بیشتر این سازمان‌ها را در مقایسه با دیگر بازیگران حقوق بین‌الملل (اعم از بازیگران بین‌الدولی و غیردولتی) با افزایش نقش آن‌ها در جامعه بین‌المللی و تلاش حقوق بین‌الملل برای اعطای حقوق و تکالیف بیشتر به آن‌ها مرتبط دانست. نکته پایانی بخش نخست اینکه، همان‌گونه که تصریح شد، هرچند گفته می‌شود دوست دادگاه هیچ نفعی در جریان رسیدگی ندارد و نمی‌تواند به صورت مستقیم در دفاع از یک طرف دعوا اقدام کند، مشارکت آن‌ها چندان هم بدون نفع نیست. زیرا، به‌ویژه در اختلافات مربوط به حقوق بشر و محیط‌زیست و

سرمایه‌گذاری، که احتمال ارتباط موضوع با نفع عمومی زیاد است، مشارکت این‌ها می‌تواند سازوکاری مؤثر در جهت حمایت از این نفع محسوب شود. حال، با توجه به توضیحاتی که در این قسمت بیان شد، در ادامه نحوه مشارکت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، به‌عنوان دوست دادگاه در برخی مراجع قضایی و داوری، بررسی خواهد شد.

مشارکت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به‌عنوان «دوست دادگاه» در دیوان بین‌المللی دادگستری

اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری به‌طور رسمی تأسیس حقوقی دوست دادگاه را نپذیرفته است، برخی از مواد اساسنامه به‌طور ضمنی وجود آن را، البته در مورد سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی، پذیرفته‌اند. برای ارزیابی جایگاه دوست دادگاه در دیوان، باید میان رسیدگی‌های ترافعی و مشورتی تفاوت قائل شد. در رسیدگی‌های ترافعی، طبق بند ۲ ماده ۳۴ اساسنامه «دیوان می‌تواند طبق شرایط مقرر در آیین‌نامه خود درباره دعوی‌ای که به دیوان ارجاع شده است از سازمان بین‌المللی عمومی اطلاعات بخواهد و باید اطلاعاتی را که این سازمان‌ها به ابتکار خود به دیوان می‌دهند دریافت کند.» (Statute of the International Court of Justice, 1949: Article. 34 (2)). ماده ۶۶ نیز به نقش دوست دادگاه در رسیدگی‌های مشورتی اشاره کرده است. بر اساس بند ۲ این ماده، مدیر دفتر دیوان باید در مسائلی که درباره آن نظر مشورتی دیوان درخواست می‌شود «به موجب ابلاغ مخصوص و مستقیم به هر دولتی که حق اقامه دعوی در دیوان را دارد یا یک سازمان بین‌المللی که به تشخیص دیوان یا در صورتی که دیوان تشکیل جلسه نداده باشد به تشخیص رئیس دیوان توانایی دادن اطلاعات لازم را داشته باشد اطلاع دهد که دیوان حاضر است اظهارات کتبی آن را دریافت کند یا بیانات شفاهی آن‌ها را در جلسه علنی، که برای این منظور تشکیل می‌شود، استماع کند.» (Ibid, Article. 66 (2)). این ماده نشان می‌دهد در رسیدگی‌های مشورتی، برخلاف رسیدگی‌های ترافعی، دولت‌ها هم در کنار سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند به‌عنوان دوست دادگاه اظهارات خود را به صورت کتبی و شفاهی تقدیم دیوان کنند. نکته مهم درباره دو ماده یادشده این است که بر اساس قواعد آیین دادرسی دیوان اصطلاح «سازمان بین‌المللی عمومی» در ماده ۳۴ صرفاً شامل آن دسته از سازمان‌های بین‌المللی می‌شود که متشکل از دولت‌ها هستند (Rules of ICJ, 1987: Article. 69 (4)) و همچنین در تفسیر اساسنامه دیوان نیز این‌گونه تصریح شده است که دو اصطلاح مذکور در مواد ۳۴ و ۶۶ محدود به سازمان‌های بین‌الدولی است؛ هرچند اصطلاح مندرج در ماده ۶۶ وصف «عمومی» ندارد. و این به‌صراحت بدان معناست که حضور سازمان‌های

غیردولتی نزد دیوان ممنوع است (Zimmermann, Oellers-Frahm, Tomuschat and Tams,) (2012: Para. 117).

بنابراین، سازمان‌های غیردولتی مشمول اصطلاحات «سازمان‌های بین‌المللی عمومی» و «سازمان بین‌المللی» نمی‌شوند و بر این اساس قادر نخواهند بود به‌عنوان دوست دادگاه در دیوان حضور یابند. البته، به‌رغم این ممنوعیت، هر سال تعداد بسیار زیادی درخواست برای ورود به رسیدگی مطرح می‌شود که تا امروز از سوی دیوان پذیرفته نشده است. مثلاً در جریان قضیه «پناهندگی» (کلمبیا علیه پرو)، در سال ۱۹۵۰، «اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر» طی نامه‌ای از دیوان درخواست کرد اجازه دهد این اتحادیه اطلاعات خود را در خصوص قضیه یادشده در اختیار دیوان قرار دهد (2) Delson, Letter to the Registrar, ICJ Pleadings 1950 (2) 227 (Asylum). در پاسخ به این تقاضا، مدیر دفتر دیوان اعلام کرد با توجه به اینکه این اتحادیه یک سازمان بین‌المللی عمومی در معنای بند ۲ ماده ۳۴ محسوب نمی‌شود، نمی‌تواند در جریان رسیدگی شرکت کند. استدلال مدیر دفتر دیوان این بود که میان عبارت‌پردازی بند ۲ ماده ۳۴ و بند ۲ ماده ۶۶ تفاوت وجود دارد؛ بدین صورت که در ماده ۳۴ از اصطلاح سازمان بین‌المللی عمومی استفاده شده است، در حالی که ماده ۶۶ اصطلاح سازمان بین‌المللی را به کار برده است (International Status of South West Africa, Advisory Opinion, Letter from) (the Registrar, ICJ Pleadings 1950: 327).

در رسیدگی‌های مشورتی، دیوان تعداد بیشتری درخواست مشارکت از سوی سازمان‌های غیردولتی دریافت کرده است که در اینجا به اجمال به آن‌ها اشاره می‌شود. در نظر مشورتی «افریقای جنوب غربی»، اتحادیه مذکور خواستار آن شد که اظهارات خود را به صورت کتبی و شفاهی در جریان رسیدگی ارائه کند (Ibid, 324) که برخلاف قضیه پناهندگی با استقبال دیوان روبه‌رو شد. مدیر دفتر دیوان اعلام کرد دیوان آماده است آن بخش از اظهارات اتحادیه را که به دیوان در جهت بررسی سؤالات حقوقی مطرح از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد کمک می‌کند به صورت مکتوب دریافت کند (Ibid, 327). پاسخ دیوان نشان‌دهنده این نکته مهم است که دیوان صرفاً به پذیرش آن اطلاعاتی رضایت داده است که به موضوعات در دست بررسی دیوان ارتباط دارد و از پذیرش هر گونه اظهارات در زمینه قواعد و وقایع خودداری کرده است. اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر یک بار دیگر در سال ۱۹۷۱ و در رسیدگی مشورتی مربوط به قضیه «نتایج حقوقی حضور پیوسته آفریقای جنوبی برای دولت‌ها در نامیبیا (افریقای جنوب غربی)» (به‌رغم قطعنامه شماره ۲۷۶ شورای امنیت (۱۹۷۰)) از دیوان خواست که اجازه دهد در رسیدگی مشارکت کند و این بار با مخالفت دیوان روبه‌رو شد (Legal Consequences for) States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), Advisory Opinion, ICJ (Rep 1971, Pleadings, 639-640, 644, 672, 678-697). مورد دیگر قضیه «مشروعیت استفاده

دولت‌ها از سلاح‌های هسته‌ای در مخاصمات مسلحانه» است که در اینجا نیز دیوان تقاضای «پزشکان بین‌المللی برای ممانعت از جنگ هسته‌ای» را برای ارائه اطلاعات نپذیرفت. دیوان، با توجه به اوضاع و احوال قضیه و محدوده سؤال سازمان مذکور، چنین تصمیمی گرفت. درواقع، اعلام شد دیوان لایحه دوست دادگاه را دریافت کرده، اما آن را به‌عنوان بخشی از ادله و مدارک در این قضیه نپذیرفته است و این لایحه در کتابخانه دیوان در دسترس دول عضو قرار گرفته است (Crema, *op.cit.*: 122). در عمل، دیوان در دستورالعمل اجرایی شماره ۱۲ خود جایگاه سازمان‌های غیردولتی را، به‌عنوان دوست دادگاه، آن هم صرفاً در خصوص اظهارات و بیانیه‌های مکتوب، مشخص کرده است. طبق این دستورالعمل، بیانیه کتبی یا سندی که یک سازمان بین‌المللی غیردولتی به ابتکار خود در یک قضیه مشورتی ارائه می‌دهد بخشی از پرونده دعوی به شمار نخواهد آمد. ولی ممکن است آن دسته از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی که در چنین قضایی لوایح ارائه کرده‌اند به آن همانند اسناد منتشره عمومی استناد کنند. همچنین، بیانیه‌ها و اسناد در مکانی مشخص در کاخ صلح قرار خواهند گرفت و دولت‌ها و سازمان‌های یادشده از آن‌ها مطلع خواهند شد (Practice Direction XII, ICJ, As amended on 20 January 2009 and 21 March 2013). همان‌گونه که مشاهده کردید، دیوان همواره در برابر درخواست سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت در رسیدگی‌های ترافیعی و مشورتی مقاومت کرده است. بخشی از دلیل این اقدام دیوان حقوقی و بخشی سیاسی است. عدم پیش‌بینی امکان چنین مشارکتی در اساسنامه و قواعد آیین دادرسی دیوان دلیل حقوقی است. اما درباره دلیل سیاسی باید گفت درواقع اجازه مشارکت سازمان‌های غیردولتی مبنای رضایی بودن صلاحیت قضایی دیوان را با چالش همراه می‌سازد؛^۱ که این امر در درازمدت می‌تواند تمایل دولت‌ها را به ارجاع اختلافات خود به این نهاد کاهش دهد و نوعی بی‌اعتمادی به آن ایجاد کند. موضوع دیگر اینکه دیوان همواره خود را صرفاً به پاسخگویی به موارد درخواست طرفین اختلاف محدود کرده است. بنابراین، مشارکت دوست دادگاه موجب خواهد شد دیوان ناگزیر از بررسی موضوعاتی شود که ممکن است تمایلی برای توجه بدان‌ها نداشته باشد (Vinuales, 2006: 239-240). البته، صرف‌نظر از دلیل حقوقی، به نظر می‌رسد دلیل سیاسی چندان قابل‌پذیرش نیست. زیرا، همان‌گونه که گفته شد، دوستان دادگاه نقش محدودی ایفا می‌کنند. اینان طرف دعوا محسوب نمی‌شوند و هیچ نفعی ندارند. برعکس، حضور دوست دادگاه نه‌تنها به تکمیل اطلاعات دادگاه کمک می‌کند، بلکه به تحول حقوق بین‌الملل در ارتباط با توسعه یافتن نقش و

۱. این چالش از آن جهت است که با توجه به اینکه یکی از اصول حاکم بر رسیدگی‌های قضایی بین‌المللی این است که مراجع حل‌وفصل اختلافات نمی‌توانند بدون رضایت دولت‌ها به اختلافات میان آن‌ها رسیدگی کنند، حضور دوست دادگاه در دیوان، آن هم بدون توجه به رضایت طرفین دعوی، می‌تواند مشکل‌ساز باشد و فلسفه وجودی اصل مذکور را زیر سؤال ببرد.

جایگاه بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی یاری می‌رساند. به نظر می‌رسد، به‌رغم اینکه دیوان برای پذیرش مشارکت سازمان‌های غیردولتی در رسیدگی‌های خود با موانعی روبه‌رو است، گفته‌ی روزالین هیگینز صحیح به نظر می‌رسد مبنی بر اینکه به نحوی می‌توان از مواد اساسنامه حضور سازمان‌های غیردولتی را به‌عنوان دوست دادگاه در جریان صدور نظرات مشورتی پذیرفت و این موضوع فرصتی مناسب برای دیوان جهت شناخت بهتر ابعاد قضیه در دست بررسی به شمار می‌رود (7: Mialhe, 2011). این امکان برای دیوان وجود دارد که اصطلاح «سازمان بین‌المللی» در ماده ۶۶ را به نحوی تفسیر کند که سازمان‌های غیردولتی را نیز دربرگیرد. در رسیدگی‌های ترافیعی نیز، در غیاب یک مقررۀ صریح، دیوان می‌تواند با توسل به ماده ۵۰ از این سازمان‌ها بخواهد نظرات کارشناسی خود را ارائه کند.

مشارکت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به‌عنوان دوست دادگاه در

دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان بین‌امریکایی حقوق بشر

با توجه به رویه قضایی، به‌طور کلی، دوست دادگاه در آن دادگاه‌ها و دیوان‌هایی که به‌طور تخصصی به موضوع حقوق بشر می‌پردازند نقشی عمده ایفا کرده و می‌کنند. مثال مشخص در این زمینه دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان بین‌امریکایی حقوق بشر است. اصطلاح دوست دادگاه در هیچ‌یک از مقررات دیوان اروپایی حقوق بشر نیامده است؛ اما در حال حاضر بر اساس بند ۲ ماده ۳۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر «رئیس دیوان می‌تواند به منظور اجرای بهتر عدالت از هر طرف معظم متعاقد که در دعوی طرفیت ندارد یا هر شخص ذی‌نفع که خواهان دعوی محسوب نمی‌شود دعوت کند که نظرات مکتوب خود را ارائه دهد یا در جلسات استماع شرکت کند.» (European Convention on Human Rights, 4 November 1950: Article. 36).⁽²⁾ بررسی رویه دیوان نشان‌دهنده آن است که این مرجع قضایی در مواردی که یک ارتباط تقریباً کافی میان موضوعات مطرح در تقاضای دوست دادگاه و موضوع در دست بررسی وجود نداشته باشد یا رویه قضایی روشن دیوان مشارکت ثالث را غیرضروری سازد یا زمانی که دادگاه تشخیص دهد اطلاعاتی که دوست دادگاه قصد ارائه آن‌ها را دارد از قبل به نحو کافی از سوی طرفین اختلاف یا دیگر دوستان دادگاه ارائه شده است تصمیم به رد تقاضای دوست دادگاه برای مشارکت در جریان رسیدگی گرفته است (Vinuales, *op.cit.*: 243). نخستین تجربه موفق مشارکت سازمان‌های غیردولتی در این دیوان به قضیه‌ای در سال ۱۹۸۱ برمی‌گردد که در آن نماینده کنگره اتحادیه تجاری اجازه یافت، طبق ماده ۳۸ (۱) آیین دادرسی دیوان (۱۹۵۹)، اظهارات خود را درباره وقایع قضیه به صورت شفاهی ارائه کند (ECHR, Case, 44 Eur. Ct. H. (1981) (R. (ser. A)). البته پیش از این قضیه نیز در یک مورد از قضایا انگلستان از دیوان

درخواست کرد اجازه دهد این کشور بیانیه خود را در خصوص تفسیر مقررات خاصی از کنوانسیون مذکور ارائه دهد که با مخالفت روبه‌رو شد (Palchetti, 2002: 171). در مجموع، دوستان دادگاه در این دیوان، بیش از اینکه به‌عنوان مدافعان نفع عمومی مشارکت پیدا کنند، با بیان دیدگاه‌های خود، به صورت کتبی و شفاهی، دیوان را در صدور آرا یاری کرده‌اند.

دیوان بین‌المللی حقوق بشر نیز، به‌رغم اینکه مقرره خاصی در زمینه دوست دادگاه ندارد، معمولاً تقاضاهای آن‌ها را، به‌ویژه در ارتباط با رسیدگی‌های مشورتی، پذیرفته است. به‌باور توماس بورگنتال، هرچند ماده (۱) ۳۴ آیین دادرسی دیوان هیچ اشاره‌ای به این تأسیس حقوقی ندارد، عبارت‌پردازی آن به گونه‌ای است که می‌توان از آن استنباط کرد دیوان می‌تواند بر اساس درخواست یک طرف دعوی یا به نمایندگی از کمیسیون یا به اختیار خود تصمیم بگیرد که اظهارات یا شهادت هر فردی را که به نظر می‌رسد به احتمال زیاد می‌تواند دیوان را در انجام دادن وظایفش یاری رساند استماع کند. همچنین، به نظر وی، اگرچه این مقرره در خصوص رسیدگی‌های ترافیعی است، می‌تواند در رسیدگی‌های مشورتی نیز اعمال شود (Buergetal, 1985: 15). نکته جالب اینکه این استدلال بورگنتال پذیرفته شد و بر این اساس دیوان در چند دهه گذشته حضور سازمان‌های غیردولتی را در رسیدگی‌های ترافیعی و به‌طور ویژه در رسیدگی‌های مشورتی پذیرفته است. بررسی تصمیمات اخیر دیوان مذکور نشان می‌دهد دوستان دادگاه اغلب توانسته‌اند اظهارات خود را تقدیم دادگاه کنند و در آرا نیز در مواردی به این اظهارات استناد شده است (Katia, 2012: 521). در مجموع، می‌توان گفت نظر به اینکه ارتباط میان حقوق بشر و نفع عمومی انکارناپذیر است و همچنین مشارکت جامعه مدنی در موضوعات حقوق بشری بسیار مهم تلقی می‌شود، دوست دادگاه در دیوان‌های حقوق بشری در مقایسه با دیگر مراجع از قدرت چانه‌زنی بیشتری برخوردار است و حتی هم‌زمان با تقویت جایگاه سازمان‌های غیردولتی در جامعه بین‌المللی شاهد افزایش نقش یاری‌رسانی و دفاع از نفع عمومی از سوی این سازمان‌ها در این دیوان‌ها هستیم؛ امری که می‌تواند به‌طور ضمنی دربردارنده اثر مشروعیت‌بخشی به این مراجع باشد.

مشارکت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به‌عنوان دوست دادگاه در

سازمان جهانی تجارت و نفتا و ایکسید

در سال‌های اخیر، رکن حل‌وفصل اختلافات سازمان جهانی تجارت و مرجع داوری در چارچوب نفتا و همچنین ایکسید به پذیرش درخواست سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت در رسیدگی‌ها به‌عنوان دوست دادگاه تا حدودی روی خوش نشان داده‌اند.

۱. سازمان جهانی تجارت

در سازمان جهانی تجارت ماده ۱۳ «تفاهم‌نامه حل‌وفصل اختلاف» به حق رکن بدوی حل‌وفصل اختلاف برای درخواست اطلاعات اشاره می‌کند. طبق بند ۱ این ماده «هر رکن باید از این حق برخوردار باشد که اطلاعات و توصیه‌های فنی را از هر فرد یا نهادی که به تشخیص رکن مناسب است درخواست کند. با این حال، پیش از این درخواست از فرد یا نهاد تابع صلاحیت یک دولت عضو، باید مقامات آن دولت را مطلع سازد...» (World Trade Organization, Dispute Settlement Understanding, Article.13 (1)). به باور رکن مذکور، تفاهم‌نامه این اختیار را به آن اعطا نمی‌کند که بتواند درباره پذیرش اطلاعاتی که بازیگران غیردولتی به اختیار خود ارائه می‌دهند تصمیم بگیرد (WT/DS58/AB/R, 1998, para. 110). هیئت تجدیدنظر سازمان با این نظر مخالفت ورزید و در تفسیر خود از ماده ۱۳ اعلام کرد: «... یک رکن از این صلاحیت برخوردار است که در زمینه پذیرش یا رد اطلاعات و توصیه‌هایی که به درخواست او یا بدون آن ارائه شده است تصمیم بگیرد...» (Ibid, para. 10). بنابراین، هیئت مذکور، با یک تفسیر تحت‌اللفظی، به‌طور ضمنی، این امکان را به رسمیت شناخت که سازمان‌های غیردولتی بتوانند به اختیار خود به رکن گزارش دهند و مهم‌تر اینکه یک رکن هم می‌تواند در زمینه اطلاعاتی که دریافت می‌کند امان‌نظر و در صورت صلاحدید از آن‌ها استفاده کند. اما تفسیر مذکور زمینه‌ای را فراهم ساخت که باعث شد رکن بدوی پس از آن سال، در موارد متعدد، با درخواست مشارکت دوست دادگاه موافقت کند. رکن تجدیدنظر جایگاه خاصی برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی در رسیدگی قائل شده است و در این ارتباط اشعار داشته علاوه بر شرایط متفاوتی که برای ثبت لایحه دوست دادگاه مدنظر قرار گرفته ضروری است این سازمان‌ها به‌وضوح فعالیت‌ها و منابع تأمین مالی، روابطشان با طرفین اختلاف، نفع خاصی که در موضوع در دست بررسی دارند، و کمکی که از آن‌ها در رسیدگی ساخته است را تبیین کنند (WT/DS135/AB/R, 2001: para. 52 (3) (c) d) (f) (g)).

۲. نفتا

نظر به ماهیت خاص داورهای سرمایه‌گذاری میان دولت و بخش خصوصی، به‌ویژه ضرورت شفافیت آن‌ها، جوامع مدنی و سازمان‌های غیردولتی همواره خواستار حضور در این داورها هستند. دادگاه‌های داور سرمایه‌گذاری ابتدا با مشارکت ثالث در رسیدگی‌ها مخالف بودند، که البته در سال‌های اخیر شاید تحت تأثیر فشار و انتقادات عمومی مسیر حرکت خود را تغییر داده‌اند و تا حدود زیادی بسترهای لازم را برای حضور ثالث فراهم آورده‌اند (VanDuzer, 2007: 681). موافقان حضور دوست دادگاه در این نوع از داورها بر آن‌اند که فراهم کردن امکان

مشارکت برای دوست دادگاه می‌تواند راه‌حلی مناسب جهت ایجاد تعادل میان نفع عمومی و داوری سرمایه‌گذاری باشد و در واقع تلاش برای ارزیابی مجدد ساختارها به منظور ارتقای مشروعیت رسیدگی در ابعاد شکلی و ماهوی است. در مقابل، مخالفان، ضمن اشاره به این مطلب که چنین مشارکتی فرایند رسیدگی به دعوی اصلی را با چالش‌ها و دشواری‌هایی روبه‌رو می‌سازد، اظهار می‌کنند چنین داوری‌هایی باید چشم خود را بر آثار اجتماعی ناشی از رأی ببندند (Bastin, 2012: 226-227). در نفتا، نخستین بار در قضیه متانکس^۱ موضوع دوست دادگاه مطرح شد. متانکس، که شرکتی کانادایی است، نزد دادگاه ادعا کرد در نتیجه وضع مقررات زیست‌محیطی از سوی مقامات ایالت کالیفرنیا، امریکا، مبنی بر منع استفاده از یک نوع افزودنی سوخت تولیدی این شرکت، خساراتی را متحمل شده است. در این قضیه، سه سازمان غیردولتی فعال در زمینه محیط‌زیست سه درخواست مطرح کردند: ۱. دستیابی به اسناد و دفاعیات مکتوب طرفین دعوی؛ ۲. بیان اظهارات خود به صورت کتبی و شفاهی؛ ۳. داشتن وضعیت ناظر در جلسات استماع (Methanex Corporation v. United States of America, (NAFTA), 2001: paras. 5-7). استدلال این سازمان‌ها چنین بود که بند ۱ ماده ۱۵ قواعد آنسیترال این اختیار کلی (از جهت آیین دادرسی) را به دادگاه می‌دهد که با مشارکت آن‌ها موافقت کند و اینکه این قضیه اهمیت عمومی بسیار زیادی دارد و حضور دوست دادگاه می‌تواند تا حدودی نگرانی‌های عمومی‌ای را که در خصوص چارچوب محدود رسیدگی‌های داوری دادگاه وجود دارد کاهش دهد (Ibid, paras. 5-8). دادگاه، در پاسخ، به چهار موضوع مهم اشاره کرد. موضوع نخست اینکه اختیار مندرج در این ماده باید به موضوعات شکلی و نه ماهوی محدود شود و بنابراین از این منظر اینکه با طرف ثالث همانند طرفین اختلاف یا دول عضو نفتا رفتار شود موضوعی صرفاً شکلی است و بر این اساس مشمول ماده ۱۵ نیست. دادگاه همچنین با تکیه بر تمایز میان طرف دعوی و دوست دادگاه اعلام کرد نمی‌توان حقوقی مشابه حقوق طرفین دعوی به دوست دادگاه اعطا کرد. نیز، با توجه به رویه دیوان داوری ایران و امریکا و رکن تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی، فقط دادگاه در زمینه پذیرش یا رد تقاضای دوست دادگاه تصمیم می‌گیرد (Ibid, paras. 29-31). موضوع دوم در ارتباط با استدلال خواهان بود که پذیرش اظهارات سازمان‌های غیردولتی موجب خواهد شد یک سری اطلاعات جدید در اختیار دادگاه قرار گیرد و نیز طرفین درصدد پاسخ به این

1. Methanex

۲. ماده (۱) ۱۵ قواعد داوری آنسیترال (۱۹۷۶): «در تبعیت از این قواعد، دادگاه داوری می‌تواند داوری را به شیوه‌ای که مناسب می‌بیند انجام دهد و با طرفین اختلاف رفتار برابر می‌شود و اینکه در هر مرحله از رسیدگی‌ها به هر طرف فرصت کامل برای بیان اظهارات داده می‌شود.» متن ماده در اصلاحات سال ۲۰۱۰، در ماده ۱۷، گنجانده شده است.

اظهارات برآیند. البته به طور بالقوه امکان به وجود آمدن چنین مسئله‌ای در هر رسیدگی‌ای که با مشارکت طرف ثالث در آن موافقت می‌شود وجود دارد که می‌توان با محدود کردن چارچوب مشارکت دوست دادگاه تا حدودی با این مسئله مقابله کرد (Ibid, paras. 35-37). سومین موضوع این بود که با توجه به مواد فصل ۱۱ موافقت‌نامه نفتا دادگاه استدلال سه سازمان را مبنی بر اینکه هیچ مقرره‌ای در این فصل مانع حضور دوست دادگاه نمی‌شود پذیرفت (Ibid, paras. 38-38). در نهایت، دادگاه بر اساس ماده (۴) ۲۵ قواعد آنسیترال، که مقرر می‌دارد «جلسات استماع باید غیرعلنی باشد، مگر طرفین اختلاف به گونه‌ای دیگر رضایت دهند...»، تصریح کرد غیر از یک مورد (پذیرش اظهارات مکتوب) موافقت با دیگر درخواست‌های سه سازمان مستلزم اجازه طرفین اختلاف است (Ibid, paras. 40-46) و بر این اساس صرفاً با درخواست تقدیم اظهارات به صورت مکتوب موافقت می‌شود (Ibid, paras. 47-52).

در قضیه «شرکت خدمات پستی امریکا علیه دولت کانادا» در سال ۲۰۰۱ نیز دادگاه داوری تصمیمی مشابه قضیه متانکس اتخاذ کرد. در این قضیه، شرکت امریکایی مدعی شد در نتیجه اعطای انحصار به خدمات پستی کانادایی، از سوی دولت این کشور، متحمل خسارتی شده است. در فرایند رسیدگی، دو مؤسسه کانادایی خواستار دخالت در داوری شدند که طرفین اختلاف مخالفت کردند. البته دادگاه، در نهایت، با توجه به رأی خود در قضیه متانکس، ضمن تأکید بر محرمانه بودن محتوای اسناد و دفاعیات طرفین، با تقدیم اظهارات از سوی دو مؤسسه موافقت کرد (United Parcel Service of America Inc. v. Government of Canada (NAFTA), 2001: paras. 59-68).

۳. ایکسید

مشارکت سازمان غیردولتی در قالب دوست دادگاه در دادگاه داوری ایکسید نیز به رسمیت شناخته شده است. به باور این دادگاه، با توجه به اینکه معمولاً در دعاوی خصوصی نفع عمومی نیز تا حدودی مطرح است و نیز تصمیمات اتخاذشده، به طور بالقوه، بر حقوق اشخاصی غیر از طرفین دعوا به طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد، دادگاه در جریان چنین دعاوی‌ای مشارکت دوست دادگاه را می‌پذیرد (ICSID, case No. ARB/03/19, 2005: para. 18). طبق قواعد داوری جدید ایکسید، دادگاه می‌تواند، جز در مواردی که با اعتراض طرفین روبه‌رو می‌شود، پس از مشورت با دبیرکل مرکز به اشخاص دیگر اجازه حضور در جلسات استماع را بدهد. همچنین، ارائه اظهارات مکتوب از سوی شخص یا نهادی که طرف دعوا محسوب نمی‌شود، منوط به موافقت دادگاه، البته پس از مشورت با طرفین دعوی خواهد بود (ICSID, Arbitration Rules, 2006, Articles. 32 (2), 37 (2)). در ایکسید نیز، در چندین قضیه، دوست دادگاه خواستار مشارکت در جریان رسیدگی شده است که در این مقاله دعاوی معروف به

«ویوندی»^۱ که علیه آرژانتین اقامه شد بررسی می‌شود. در این قضیه، که در خصوص اعطای امتیازنامه به سرمایه‌گذاران خارجی برای راه‌اندازی سیستم‌های آب و فاضلاب برای میلیون‌ها نفر از مردم آرژانتین بود، تعدادی از سازمان‌های غیردولتی تقاضا کردند دادگاه با مشارکت آن‌ها در رسیدگی موافقت کند. توجه به این قضیه از آن جهت مهم است که با توجه به موضوع مورد اختلاف هم ملاحظات زیست‌محیطی و هم موضوعات حقوق بشری (مانند حق دسترسی به آب) در آن مطرح بود. سازمان‌های غیردولتی، با بیان این مطلب که این اختلاف نفع عمومی اساسی و حقوق بنیادین مردم ساکن در منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سه درخواست مطرح کردند: ۱. حضور در جلسات استماع؛ ۲. اعطای فرصت به آن‌ها برای بیان استدلال‌های حقوقی به‌عنوان دوست دادگاه؛ ۳. دستیابی به اسناد (ICSID, case No. ARB/03/19, *op.cit.*: para. 1). در خصوص درخواست نخست، دادگاه اشاره کرد صراحت ماده (۲) ۳۲ حضور دیگر اشخاص را منوط به موافقت طرفین اختلاف کرده است و در این زمینه هیچ اختیاری برای دادگاه قائل نشده است. با توجه به اینکه طرفین این اختلاف با حضور سازمان‌ها در جلسات استماع موافق نکرده‌اند، دادگاه نیز نمی‌تواند این درخواست را بپذیرد (6). در ارتباط با درخواست دوم، دادگاه ابتدا اعلام کرد نظر به اینکه پذیرش اظهارات دوست دادگاه می‌تواند به دادگاه در صدور رأی صحیح کمک کند موضوعی شکلی به شمار می‌آید و تصمیم‌گیری در این خصوص با توجه به ماده ۴۴ قواعد داوری در صلاحیت دادگاه است. دادگاه در ادامه رأی، با بررسی رویه دیگر دادگاه‌ها درباره دوست دادگاه، نتیجه می‌گیرد که پذیرش اظهارات این سازمان‌ها به وجود سه معیار اساسی بستگی دارد: ۱. اقتضای موضوع در دست بررسی؛ ۲. شایستگی حضور به‌عنوان دوست دادگاه؛ ۳. وجود یک سازوکار برای بررسی اظهارات (17, 10-11).
دادگاه در خصوص معیار نخست سراغ ماهیت قضیه و ارتباط آن با نفع عمومی رفت و تصریح کرد در این قضیه بحث بر سر سرمایه‌گذاری در حوزه سیستم‌های فاضلاب و توزیع آب برای تعداد زیادی از مردم است که خود می‌تواند موضوعات متنوع عمومی و حقوق بین‌الملل، از جمله ملاحظات حقوق بشری، را به دنبال داشته باشد و این‌ها مسائلی هستند که با نفع عمومی گره خورده‌اند. دادگاه بر این اساس اعلام کرد قضیه مورد بررسی در زمره آن دسته از قضایاست که دادگاه‌ها را به‌طور سنتی به سمت پذیرش اظهارات دوست دادگاه سوق می‌دهد (18-23). استدلال دادگاه در زمینه معیار دوم این بود که هدف دوست دادگاه این است که با ارائه اطلاعات دادگاه را در تصمیم‌گیری مناسب کمک کند. بنابراین، دادگاه فقط اظهارات آن دسته از اشخاص را می‌پذیرد که دادگاه را قانع سازند در یاری رساندن به دادگاه تجربه و استقلال و نظر کارشناسی دارند. دادگاه وجود این معیار را در این قضیه محقق ندانست (24-28). در خصوص معیار سوم، نظر دادگاه این بود که ایجاد فرصت برای بیان

1. Vivendi

اظهارات و نیز حمایت از حقوق ماهوی و شکلی طرفین هدف این تأسیس حقوقی است و در این قضیه نیز دادگاه برای تعیین این موضوع تلاش خواهد کرد. دادگاه در نهایت، با ارزیابی همه موضوعات، نتیجه گرفت چهار سازمان غیردولتی به دلیل اینکه نتوانسته‌اند استدلال‌ها و اطلاعات خاص کافی در اختیار دادگاه قرار دهند واجد شرایط دخالت در رسیدگی به‌عنوان دوست دادگاه نیستند؛ مگر در صورتی که در آینده اطلاعات و استدلال‌های قانع‌کننده ارائه دهند (Ibid, paras. 29-33). دادگاه با درخواست سوم سازمان‌ها نیز مخالفت کرد. به باور دادگاه، این اسناد شامل دادخواست‌ها، اظهارات، صورت‌جلسات دادگاه، بیانات شهود و کارشناسان، و دیگر اسنادی است که در اختیار دادگاه قرار می‌گیرد. با توجه به این مسئله، تقاضا برای مطالعه همه این اسناد، به دلیل محدودیت‌هایی که در کنوانسیون و قواعد داوری ایکسید مقرر شده است، مشکلاتی ایجاد می‌کند. بر این اساس، دادگاه استدلال کرد، با توجه به اینکه تقاضاکنندگان نتوانسته‌اند اطلاعاتی را در اختیار دادگاه قرار دهند که نشان‌دهنده واجد شرایط بودن آن‌ها برای مشارکت باشد، درخواست سوم آن‌ها نباید پذیرفته شود (Ibid, paras. 30-33). همان‌گونه که مشاهده کردید، مشارکت دوست دادگاه در جریان داوری‌های سرمایه‌گذاری به تقدیم اظهارات مکتوب محدود شده است و با دسترسی به اسناد و دفاعیات طرفین و حضور در جلسات استماع، به دلیل محرمانه بودن، مخالفت شده است.

در یک جمع‌بندی از آنچه آمد، باید گفت، به‌رغم همه چالش‌ها و دشواری‌ها و موانعی که پیش روی سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت به‌عنوان دوست دادگاه در فرایند رسیدگی وجود دارد، با توجه به رویه برخی از مهم‌ترین مراجع داوری و قضایی، می‌توان گفت نظام حل‌وفصل اختلافات به اهمیت حضور این سازمان‌ها پی برده است. به‌هرحال، به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه معمولاً تمرکز هر یک از این سازمان‌ها در یکی از حوزه‌های تخصصی بین‌المللی است و در مقایسه با دیگر نهادهای بین‌المللی امکان دسترسی آن‌ها به منابع اطلاعاتی بیشتر است، مشارکت آن‌ها در فرایند رسیدگی‌های قضایی و داوری بین‌المللی، به منظور کمک به حل‌وفصل بهتر دعاوی و در نتیجه توسعه حقوق بین‌الملل، بسیار مفید خواهد بود؛ به‌ویژه در جایی که پای نفع عمومی در میان باشد، چنین مشارکتی می‌تواند افزایش اعتماد عمومی به مرجع رسیدگی و به نوعی مشروعیت آن را به دنبال داشته باشد.

نتیجه‌گیری

با امعان‌نظر در موارد بررسی‌شده، می‌توان گفت، به تناسب توسعه جایگاه دوست دادگاه در مراجع قضایی برخی کشورها، اهمیت این نهاد در عرصه بین‌المللی نیز افزایش یافته است. پیش‌بینی امکان مشارکت دوست دادگاه نشان می‌دهد دادگاه‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که

اگرچه اجازه طرح دیدگاه‌ها و نظرات این افراد تا حدودی کار دادگاه و طرفین را برای ادامه دادرسی دشوار خواهد کرد، مزیت‌های فراوان این تأسیس حقوقی دادگاه‌ها را بدین سمت سوق داده است که در چارچوبی مشخص آن را بپذیرند. در خصوص مشارکت سازمان‌های غیردولتی، اشاره شد که اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری فاقد مقرره‌ای در این خصوص است، در موارد متعدد، به‌ویژه در رسیدگی‌های مشورتی، با درخواست دوست دادگاه روبه‌رو شده است. پیشنهاد می‌شود دیوان، با اصلاح اساسنامه، امکان مشارکت این سازمان‌ها را پیش‌بینی کند. برخلاف دیوان مذکور، دیوان‌های اروپایی حقوق بشر، دیوان بین‌المللی حقوق بشر، رکن حل‌وفصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، دادگاه‌های داوری در نفتا و ایکسید در چندین مورد با درخواست مشارکت این سازمان‌ها موافقت کرده‌اند. نظر به ارتباطی که حقوق بشر با نفع عمومی پیدا می‌کند، حضور این سازمان‌ها در دیوان‌های حقوق بشری، به‌ویژه به منظور دفاع از نفع عمومی، بسیار مفید است. داوری‌های سرمایه‌گذاری نیز این ویژگی اساسی را دارند که در بسیاری از موارد برای دادگاه ضروری است به گونه‌ای عمل کند که تصمیماتش از حداکثر شفافیت برخوردار باشد و در واقع با توجه به همین ویژگی مشاهده می‌شود که دادگاه‌های داوری نفتا و ایکسید در مقایسه با دیگر مراجع با درخواست‌های متعدد سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت در رسیدگی روبه‌رو شده‌اند و البته در پاسخ تلاش کرده‌اند به نحوی زمینه دسترسی آن‌ها را به بخشی از رسیدگی فراهم آورند. نکته پایانی اینکه به نظر می‌رسد، اگرچه عدم موافقت دادگاه‌ها با دسترسی دوست دادگاه به متن اسناد و دفاعیات طرفین و همچنین حضور در جلسات استماع تا حدود زیادی به منظور احترام به رضایت طرفین دعواست و به نوعی ایجاد خطر بالقوه عدم اعتماد دولت‌ها به مراجع حل‌وفصل اختلافات در طول زمان را در پی ندارد، به نظر می‌رسد، با توجه به مزایایی که می‌توان برای مشارکت دوست دادگاه در قالب تقدیم اظهارات متصور بود، لازم است دادگاه‌ها به سمت تسهیل هر چه بیشتر این شکل از حضور دوست دادگاه گام بردارند. زیرا در واقع ارائه اظهارات دوست دادگاه را در جایگاه طرف دعوی قرار نمی‌دهد، خدشه‌ای به حقوق طرفین اختلاف وارد نمی‌کند (هرچند طرفین از این حق برخوردارند که به اظهارات دوست دادگاه پاسخ دهند)، و نیز ماهیت حقوقی رسیدگی را تغییر نمی‌دهد.

منابع

1. Bastin, Lucas, (2012). "The Amicus Curiae in Investor-State Arbitration", Cambridge Journal of International and Comparative Law, Vol. 1, Issue, 3, pp. 208-234.
2. Buergetal, Thomas, (1985). "The advisory practice of the Inter-American Human Rights Court", American Journal of International Law, Vol. 79, No. 1, pp. 1-27.

3. Crema, Luigi, (2012). "Testing Amici Curiae in International Law: Rules and Practice", *The Italian Yearbook of International Law*, Vol. 22, pp. 91-132.
4. Katia, Fach Gómez, (2012). "Rethinking the Role of Amicus Curiae in International Investment Arbitration: How to Draw the Line Favorably for the Public Interest", *Fordham International Law Journal*, Vol. 35, p. 510, pp. 510-564.
5. Johnson, Lise & Niranjali Amerasinghe, (2009). "Protecting the Public Interest in International Dispute Settlement: The Amicus Curiae Phenomenon", pp. 2-31. available at: http://www.ciel.org/Publications/Protecting_ACP_Dec09.pdf
6. Mialhe, Jorge Luís, "The NGOs as Amici Curiae in the International Tribunals", *World International Studies Committee (WISC) 3rd Global International Studies Conference: World Crisis. Revolution or Evolution in the International Community?*, Porto, Portugal 17th - 20th August 2011, pp. 1-10.
7. Palchetti, paolo, (2002). "Opening the International Court of Justice to Third States: Intervention and Beyond", *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, Vol. 6, pp. 139-181.
8. Razzaque, Jona, (2001). "Changing Role of Friends of the Court in the International Courts and Tribunals", *Non State Actors and International Law*, Vol. 1, No. 3, pp. 169-200.
9. Re, Loretta, (1983-1984). "Amicus Curiae Brief: Access to the Courts for Public Interest Associations", *14 Melb. U. L. Rev.* 522.
10. Shelton, Dinah, (1994). "The Participation of Nongovernmental Organizations in International Judicial Proceedings", *The American Journal of International Law*, Vol. 88, No. 4, pp. 611- 642.
11. *The Statute of the International Court of Justice A Commentary*, (2012). Andreas Zimmermann, Karin Oellers-Frahm, Christian Tomuschat, and Christian J. Tams (eds), Second Edition, Oxford Commentaries on International Law, UK, Oxford University Press.
12. Vinuales, Jorge E, (2006). "Human rights and investment arbitration: the role of amici curiae", *International Law: Revista Colombiana de Derecho Internacional*, No. 8, pp. 231-274.
13. VanDuzer, J. Anthony, (2007). "Enhancing the Procedural Legitimacy of Investor-State Arbitration Through Transparency and Amicus Curiae Participation", *McGill Law Journal*, Vol. 52, No. 4, pp. 681-723.
14. Willmott, Lindy, Ben White & Donna Cooper, (2005). "Interveners or Interferers: Intervention in Decisions to Withhold and Withdraw Life-Sustaining Medical Treatment", *The Sydney Law Review*, Vol. 27, No. 4, pp. 597-621.

Documents and Jurisprudence

15. Statute of the International Court of Justice, 1949.
16. Rules of Court, adopted on 14 April 1978 and entered into force on 1 July 1987.
17. Practice Direction XII, ICJ, As amended on 20 January 2009 and 21 March 2013.

18. European Convention on Human Rights, 4 November 1950, as amended by Protocols Nos. 11 and 14.
19. World Trade Organization, Marrakesh Declaration of 15 April 1994, Annex 2, Dispute Settlement Understanding.
20. International Council of Societies of Industrial Design (ICSID), Arbitration Rule, 2003.
21. ICSID, Rules of Procedure for Arbitration Proceedings (Arbitration Rules), April 2006.
22. Sovereignty over Pulau Ligitan and Pulau Sipadan (Indonesia/Malaysia), ICJ Rep 23 October 2001, Separate opinion of Judge ad hoc Weeramantry.
23. Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), Advisory Opinion, ICJ Rep 1971.
24. -----, ICJ Pleadings, Vol. II.
25. Letter from the Registrar, ICJ Pleadings 1950 (South West Africa).
26. International Status of South West Africa, Advisory Opinion, ICJ Pleadings.
27. Letter from the Registrar, 1950 ICJ Pleadings (South West Africa).
28. Robert Delson, Letter to the Registrar, ICJ Pleadings 1950 (2 Asylum) 227 (Mar. 7, 1950).
29. Aguas Argentinas, S. A., Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona, S. A., and Vivendi Universal, S. A. v. The Argentine Republic, International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID), case No. ARB/03/19, Order in Response to a Petition for Transparency and Participation as Amicus Curiae, May 19, 2005.
30. Aguas Provinciales de Santa Fe S. A., Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona S. A. and InterAguas Servicios Integrales del Agua S. A. v. The Argentine Republic, International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID), case No. ARB/03/17, Order in Response to a Petition for Participation as Amicus Curiae, March 17, 2006.
31. Young, James & Webster v. UK, European Court of Human Rights (ECHR) Case, 44 Eur. Ct. H. R. (ser. A) (1981).
32. World Trade Organization, United States – Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products, Report of the Appellate Body, WT/DS58/AB/R, 12 October 1998.
33. WTO, European Communities – Measures Affecting Asbestos and Asbestos-Containing Products, Report of the Appellate Body, WT/DS135/AB/R, 12 March 2001.
34. Methanex Corporation v. United States of America, (UNCITRAL/NAFTA), Decision of the Tribunal on Petitions from Third Persons to Intervene as Amici Curiae, 15 January 2001.
35. United Parcel Service of America Inc. v. Government of Canada (UNCITRAL/NAFTA), Decision on Petitions for Intervention and Participation of Amici Curiae, 17 October 2001.